

بازآفرینی خیابان چهارباغ عباسی اصفهان در دوره‌های صفویه و قاجار با تأکید بر بیان تصویری از نوشته‌های سیاحان*

سودابه قلی‌پور**

چکیده

خیابان چهارباغ عباسی یکی از خیابان‌های تاریخی شهر اصفهان است که بین دروازه دولت و سی‌وسه پل قرار دارد. این خیابان که در عصر شاه عباس یکم طراحی شده، یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین عناصر هویت‌بخش شهر تاریخی اصفهان و در نوع خود اثری بی‌همتا و سندی بسیار با اهمیت در اثبات خلاقیت، اندیشه‌ورزی و توانمندی نیاکان ماست. بدیهی است نمی‌توان به کیفیت و جزییات تغییر و تحولاتی که قرار است در آن ایجاد شود، بی‌اعتنا بود. روش این تحقیق مبتنی بر مطالعات و نکات ذکر شده در سفرنامه‌های سیاحان و تحلیل محتوای آنهاست با هدف شناسایی ساختار کالبدی خیابان چهارباغ عباسی در دوران‌های صفویه و قاجار و بازآفرینی متشابه واقع طرح آن براساس گفته‌های هر سیاح. از آنجا که نشانه‌های فیزیکی این خیابان تا حدی باقی مانده است براساس اطلاعات به دست آمده از متون و اسناد، به‌ویژه سفرنامه‌ها می‌توان به ارایه تصاویری فرضی برای آن اقدام کرد و به پرسش‌هایی از قبیل اینکه این خیابان چه ویژگی‌هایی داشته و کلیت آن چگونه بوده و در دوره‌های مختلف چه تغییراتی را به خود دیده، پاسخ داد. در این راستا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تاریخی و منابع مکتوب از سیاحان و از طریق مقایسه آنها با یکدیگر به بررسی آنها پرداخته می‌شود. همچنین ارایه تصاویری از گفته‌های هر سیاح در شناسایی بهتر این خیابان کمک می‌کند. از مطالبی که این اسناد مصور در تأیید و تکمیل منابع مکتوب و تصویری ارایه می‌دهد، می‌توان به چیدمان عناصر داخل خیابان و روابط اجتماعی مردمان در دو دوره صفویه و قاجار دست یافت و به این نتیجه رسید که تغییراتی در این خیابان در دوره بازدید هر سیاح و بالاخص دو دوره دیده شده، از جمله می‌توان به نظام کاشت این خیابان که در دوره صفوی دارای دو ردیف درخت چنار بوده و دوره قاجار به چهار ردیف افزایش پیدا کرده، اشاره کرد. همچنین در دوره قاجاریه و به خصوص در زمان ظل‌السلطان حاکم اصفهان- این خیابان خرابی‌های بی‌شماری به خود دیده است.

واژگان کلیدی

چهارباغ عباسی، صفویه، قاجار، سیاحان، تصویر.

*. بخشی از این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده با عنوان "کالبد کاخ و باغ‌های از دست رفته دوران صفوی با اتکا به متون و اسناد (نمونه موردی: خیابان چهارباغ اصفهان)" است که به راهنمایی آقای دکتر "امین‌پور" انجام شده است.
**. کارشناس ارشد مطالعات معماری، دانشگاه هنر اصفهان. ۰۹۱۱۱۴۵۸۲۷

s.gholipoor@gmail.com

مقدمه

در بین دوره‌های تاریخی ایران، اطلاعات مفصلی از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره‌های صفوی و قاجار داریم که بخش عمده‌ای از این اطلاعات ارزشمند از سفرنامه‌های سیاحان اروپایی به دست آمده و باعث شناخت نسبتاً کامل ما از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، معماری، هنر و ادبیات این دوره‌ها شده است. در تاریخ شهرسازی صفوی، از جمله عناصر نمادین، خیابان (چهارباغ) های عریض و مستقیمی است که از عناصر اصلی توسعه و بهسازی شهرها در این عصر بوده‌اند. پژوهش‌های مرتبط با این موضوع، "باغ‌شهر- چهارباغ اصفهان (صفوی)، الگوی توسعه شهر براساس باغ ایرانی" از آقای دکتر «انصاری» است. در این پژوهش به منظره‌سازی و جزئیات خیابان چهارباغ اصفهان و جمع‌بندی در نظام‌های این خیابان در دوره صفوی اشاره شده است. «مهدی حقیقت‌بین» در مقاله "طراحی پایدار در فضای سبز شهری اصفهان در دوران صفویه و تخریب آن در دوران معاصر"، به مسئله معماری پایدار در این خیابان با خلق فضاهای انعطاف‌پذیر، پویا و چندمنظوره با کاربری‌های متنوع پرداخته است. همچنین ایشان در مقاله "بررسی تاریخی خیابان (چهارباغ) شهر مشهد در عصر صفویه" به مقایسه دو خیابان تاریخی چهارباغ در دو شهر مشهد و اصفهان پرداخته‌اند. در این پژوهش با بررسی سفرنامه‌های مختلف درباره این خیابان به ارایه تصاویری از گفته‌های سیاحان و به تشریح ابهامات در گفته‌های هر سیاح پرداخته شده و هدف از آن رسیدن به چشم‌اندازی از خیابان چهارباغ و عملکرد آن در دوره‌های ذکر شده از طریق مقایسه گزارش‌های سیاحان و شناسایی مغایرت‌ها و ارایه تصویر روشن از منظر این خیابان است. در پایان جمع‌بندی گفته‌های سیاحان در جدولی ارایه شده است. توجه به اسناد از جمله سفرنامه‌ها، در بررسی‌ها و مطالعات معماری و حتی در سیاستگذاری‌های طراحی و مرمت می‌تواند نقش مهمی داشته باشد و امید است ابهامات مطرح‌شده در این پژوهش گامی برای ادامه مطالعات در این عرصه باشد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی- تاریخی است و با استناد به سفرنامه‌های سیاحان در دو دوره صفوی و قاجار به بازآفرینی این خیابان پرداخته شده است. «پیترو دل‌واله»^۱، «ژان باتیست تاورنیه»^۲، «آدام اولتاریوس»^۳، «ژان شاردن»^۴، «انگلیت کمپفر»^۵ و «جملی کارری»^۶ از جمله سیاحان دوره صفویه و «ژان اوتر»^۷، «پاسکال کست»^۸، «هنریش بروگش»^۹، «ارنست هولستر»^{۱۰}، «ویلز»^{۱۱} و «مادام دیولافوا»^{۱۲} از جمله سیاحان دوره قاجار هستند که نوشته‌های آنها در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته و به این نتیجه رسیده که این خیابان شکوه و عظمت خود را در دوره قاجار از دست داده است.

توصیف خیابان چهارباغ عباسی از دیدگاه سیاحان

در چهارباغ اصفهان با توجه به اینکه هویت شهر به عنوان باغ‌شهر و پایتخت جدید امپراطوری صفوی مورد توجه بوده، منظره‌سازی و عملکرد نیز در راستای تقویت هویت مزبور به کار گرفته شده

است (حقیقت‌بین، ۱۳۸۸: ۵۱).

شاه عباس "باغ‌شهر هرات" را به عنوان الگویی ابتدایی در ذهن داشته و به هنگام استقرار در اصفهان با راهنمایی علمای شیعی بالاخص «شیخ بهایی» به گسترش شهر براساس الگوی باغ ایرانی که نوعی باغ‌شهر محسوب می‌شود، فرمان داد (انصاری، ۱۳۸۰: ۵۴). درباره وجه تسمیه این خیابان نظرات متفاوتی عنوان شده است. «شاردن» وجه تسمیه خیابان چهارباغ را وجود چهارباغ مو (شاردن، ۱۳۷۵: ۱۲۲) و «کمپفر» آن را به علت تقاطع با زاینده‌رود و تقسیم آن به چهار قسمت می‌دانستند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۰۱). دکتر انصاری در این باره اشاره داشته‌اند: "نام‌گذاری یک خیابان به نام محل قبلی و مستحذاتی که در آن بوده، امری معمول است که نظر شاردن نیز می‌تواند براین اساس بوده‌باشد؛ اما با توجه به اسناد، باغ مو جزء باغ‌های خیابان چهارباغ بوده و قبل از احداث این خیابان چنین باغی وجود نداشته است (انصاری، ۱۳۸۰: ۵۴).

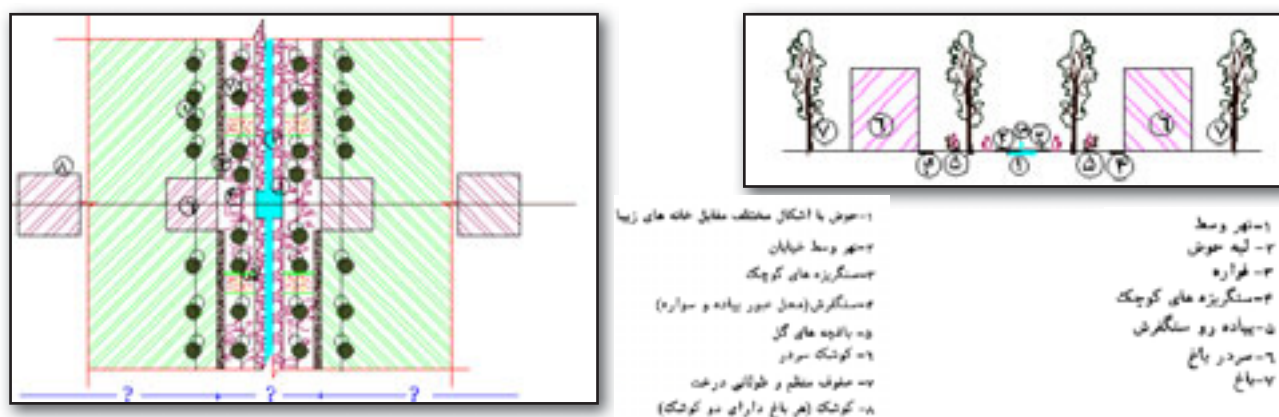
در این بخش به توصیف خیابان چهارباغ عباسی از دیدگاه سیاحان به ترتیب سال ورود آنها به ایران در دو دوره صفویه و قاجار و تشریح مطالب ارایه شده از هر سیاح پرداخته و توصیف‌های برخی از آنها به صورت پلان و مقطع و در پایان جمع‌بندی مطالب در بخش‌های منظره‌سازی و عملکرد ارایه می‌شود.

الف دوره صفویه (۱۵۹۱-۱۷۹۷ م.) (۹۷۰-۱۱۷۶ ه.ش) پیترو دل‌واله (۱۶۱۶-۱۶۲۳ م.)

پیترو دل‌واله جهانگرد ایتالیایی در دوران شاه عباس اول، در توصیف این خیابان می‌نویسد: "... طول این خیابان دو الی سه مایل و عرض آن شاید دو برابر پنتوله در رم باشد. در کنار خیابان دیواره‌ای یکسان و منظم وجود دارد که در داخل آنها باغ‌های سلطنتی واقع شده، مدخل این باغ‌ها با نظم و ترتیب خاصی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و بالای هر یک از درب‌ها عمارات کوچک وجود دارد.

تعداد این عمارات زیاد بوده و قرینه‌سازی و تناسب در آنها رعایت شده است. به‌علاوه در داخل و خارج آنها در خیابان صفوف طولانی و منظم درختان انبوه قرار گرفته‌اند که تناسب و نظم آنها فوق‌العاده است. در خیابان با فاصله‌های چند و غالباً در مقابل خانه‌های زیبا حوض‌های بزرگی با اشکال مختلف در وسط خیابان قرار گرفته که توسط نهر بزرگی واقع در بستر سنگی، مملو از آب می‌شوند. کف پیاده‌روهای خیابان، سنگفرش و برای عبور انسان و اسب بسیار مناسب است. به فاصله‌هایی چند، سنگفرش قطع شده و در زمین گل‌های مختلف کاشته شده است" (دل‌واله، ۱۳۴۸: ۴۰). در پای حصارهای دو طرف خیابان با "ریختن سنگریزه‌هایی نرم برای سهولت عبور پیاده‌ها و سواران، معبری ایجاد کرده و در فضای خالی باقی‌گذاشته‌اند که در آنها گل‌های مختلفی می‌کارند ... این گل‌ها با زیبایی و عطر خود نمای منازل را زیبا و فضای آنها را معطر می‌کند" (تصویر ۱: همان ۵۲).

ابهام : وی طول خیابان را دو الی سه مایل (۳،۲- ۴،۸ کیلومتر)



تصویر ۱. پلان و برش عرضی از خیابان چهارباغ براساس نوشته‌های پیتر دلاواله. مأخذ: نگارنده.

Fig.1. Plan and Section of Chaharbagh based on Pietro Della Valle's descriptions. Source: author.

بین کاخ جهان‌نما و حوض مقابل آن عددی کمتر از ۱۰۰ متر. با توجه به این مباحث می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که این حوض در مکانی بین حوض اول و دوم بوده که در زمان شاردن از بین رفته بود. احتمال دیگری که وجود دارد، آن است که تاورنیه حوض هشت‌ضلعی را دایره فرض کرده و اندازه گام‌ها را نادرست بیان کرده است.

از آنجایی که وی به زمین خاکی بین درختان و نهر اشاره داشته، این نهر می‌تواند نهر پای درختان باشد، زیرا با توجه به توصیفات همه سیاحان در اطراف نهر مسیر سنگفرشی وجود داشته است (انصاری، ۱۳۸۰: ۵۵). نهر در پای درختان در گزارشات دیگر سیاحان نیامده، ولی در تاریخ عالم‌آرای عباسی که در زمان شاه عباس نگاشته شده، به وجود این نهر اشاره شده است.

اولئاریوس (۱۶۳۷ م.)

"خارج از حصار و دیوار شهر در قسمت جنوبی آن و نزدیک پل زاینده‌رود باغ وسیع و جالبی به نام چهارباغ وجود دارد. چهارباغ به شکل مستطیل بوده و محیط آن در حدود یک چهارم مایل (فرسخ) است و در هر طرف یک دروازه بزرگ دارد. در قسمت جنوبی چهارباغ تپه‌ای است که به‌طورجالبی تزیین شده، آب زاینده‌رود از دو طرف و از وسط به‌وسیله کانال‌های زیرزمینی وارد آن گردیده و به مصرف آبیاری درختان و گردش در آب‌نماها و فواره‌ها می‌رسد. در طول خیابان‌های باغ تعداد بسیار زیادی درخت چنار کاشته شده و تعداد آنها از چند هزار اصله درخت تجاوز می‌کند. علاوه بر این چنارها، شاه عباس هزاران درخت میوه و مو از نقاط مختلف ایران در این باغ کاشته است که همه آنها به ثمر رسیده‌اند. به علاوه چهارباغ موستان بزرگی دارد که انواع مختلف انگور را می‌دهد. موقعی که میوه‌های درختان چهارباغ رسیدند، هرکس چهار سکه پول می‌بدهد می‌تواند وارد شده و هرقدر که بخواهد از میوه‌های باغ بخورد؛ ولی این میوه‌ها را نمی‌تواند خارج کرده و با خود ببرد" (اولئاریوس، ۱۳۷۹: ۶۱۴-۶۱۳).

ابهام: در زیر به چند مورد ابهام در رابطه با گفته‌های اولئاریوس اشاره می‌شود:

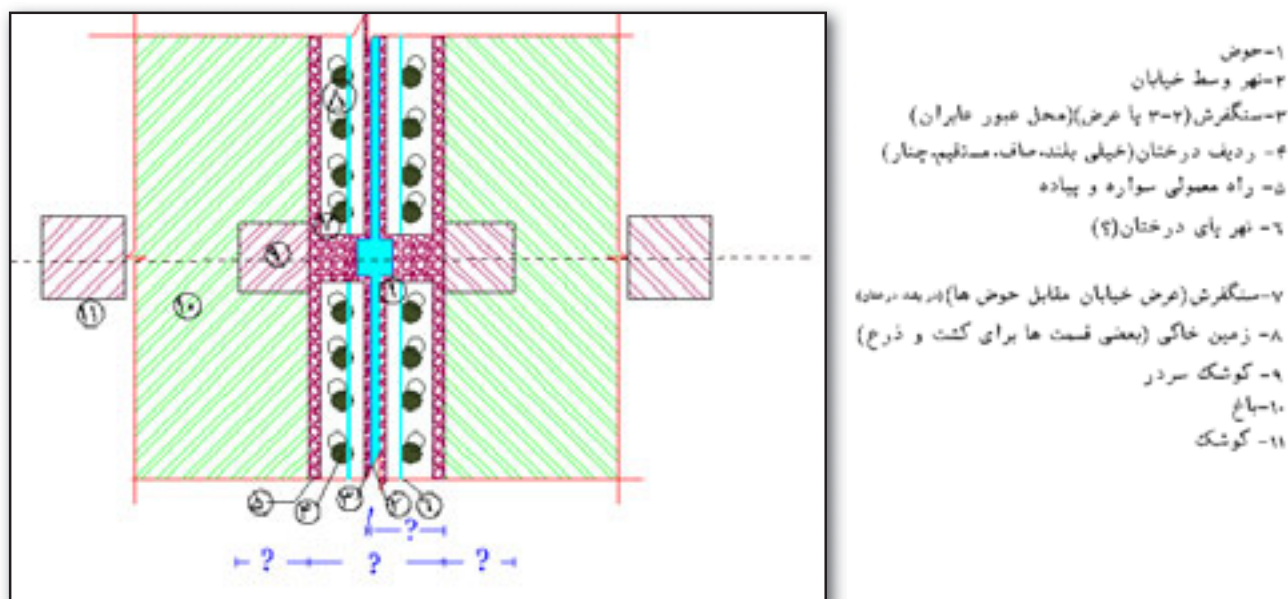
اگر هر فرسخ را ۵٫۵ کیلومتر در نظر بگیریم، یک چهارم فرسخ

دانسته، که عد سه مایل به مجموع چهارباغ بالا و عباسی نزدیکتر است. **تاورنیه (۱۶۳۲-۱۶۶۸ م)**

"راهی که از اصفهان به جلفا می‌رود، بیش از هزار و پانصد قدم طول و هفتاد، هشتاد قدم عرض دارد و رودخانه تقریباً وسط آن را قطع کرده است. در ابتدای این خیابان، کوشکی دو طبقه بنا شده که تقریباً چهل پای مربع مساحت آن است. نهر بزرگی از کوشک مذکور شروع شده در تمام طول خیابان امتداد یافته و این نهر از چشمه‌ای که از زیر کوشک بیرون می‌آید، همیشه پر از آب است، دو طرف نهر که از تخته‌سنگ‌های بزرگ مفروش و دو سه پا عرض آن است، گاهی عابرین از آنجا نیز عبور می‌کنند؛ اما راه معمولی سواره و پیاده در دو طرف خیابان از پشت درخت‌هایی است که به خط مستقیم کاشته شده؛ این درخت‌ها خیلی بلند و صاف و مستقیم و موسوم به چنار هستند. در فاصله میان نهر و درخت‌ها سنگ‌فرش نشده و زمین خاکی است که گاهی هم کشت و زرع می‌نمایند. تقریباً در دوپست قدمی آن کوشک بزرگ، آب چشمه از نهر داخل حوضی می‌شود که سی‌الی سی و پنج پا قطر دایره آن است و در فاصله‌های معین باز چندین حوض دیگر ساخته شده و هر جا که حوض است عرض خیابان را سنگ‌فرش کرده‌اند" (تصویر ۲)؛ (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۳۹۳).

ابهام: با توجه به تعداد گام‌های داده شده، مجموع طول خیابان‌های چهارباغ عباسی و بالا تقریباً ۱۸ برابر عرض آن می‌شود که غیر منطقی است. در گفته‌های خود تعداد طبقات کوشکی که خیابان با آن آغاز می‌شود (کاخ جهان‌نما) را دو طبقه بیان داشته که بنا به گفته شاردن در چند سال بعد و عکس‌های به‌جامانده از این کاخ، ۳ طبقه بوده است.

از آنجایی که همه حوض‌ها به‌جز حوض چهارم (بنا به گفته شاردن) مقابل سردر باغ‌های دو سمت بوده و حوض اول مقابل کاخ جهان‌نما، حوض دوم مقابل باغ خرگاه و حوض سوم مقابل باغ بلبل بوده، با توجه به اظهارات تاورنیه فاصله این حوض دایره‌ای شکل تا عمارت جهان‌نما در حدود ۲۰۰ قدم (تقریباً ۱۰۰ متر) بوده، در نتیجه نمی‌توانسته هیچکدام از این حوض‌ها باشد زیرا با توجه به کروکی‌های کمپفر و محل سردر باقی‌مانده از باغ خرگاه، فاصله سردر باغ خرگاه از عمارت جهان‌نما بیش از ۱۰۰ متر بوده و مسافت



تصویر ۲. بلان، خیابان، چهارباغ بر اساس نوشته‌های تاورنیه. مأخذ: نگارنده.

Fig.2. Plan of Chaharbagh based on Tavernier's descriptions. Source: author.

گوشه‌های آن اتاق‌ها و صندوقخانه‌هاست و دیگری روی سردر باغ بنا شده و آن نیز از هر طرف باز است تا بتوان رفت‌وآمد مردم را در خیابان دید" (همان). "وسعت بنای این کلاه‌فرنگی‌ها یکسان، ولی ساختمان هر کدام متفاوت است و همه آنها نقاشی و طلاکاری و لاجوردی است؛ به‌طوری‌که منظره بس دلکش و درخشنده دارد. بیشتر نقاط دیوارهای باغ‌ها مشبک و مانند ردیف خشت‌هایی است که برای خشکانیدن چیده باشند و از بیرون به‌خوبی درون آن را می‌توان دید" (تصویر ۶)؛ (همان).

"ابتدای این خیابان دلبذیر زیبا عمارت کلافرنگی مربع بلند و بزرگی است که مقابل عمارت هزارجریب واقع است؛ به‌طوری که این دو عمارت در دو انتهای این خیابان است. این عمارت سه طبقه است و در سمت عقب و طرف چپ در و منفذی ندارد؛ زیرا این دو قسمت به طرف اندرون شاهی است و در دو طرف دیگر نیز به جای شیشه، پنجره‌هایی است که از داخل بیرون را می‌توان دید؛ ولی از بیرون چیزی پیدا نیست. این پنجره‌ها را با گچ ساخته و به طرز مجلل و زیبایی نقاشی و طلاکاری کرده‌اند" (همان).

در زیر محیط حوض ها و باغ های اطراف هر حوض با توجه به گفته شاردن بیان شده و در تصویر ۴، ترسیمی از آن ارایه شده است :

حوض اول مربع، محیط آن ۱۵ پا، (در مقابل کاخ جهان نما)، حوض دوم مربع، محیط آن ۱۲۰ پا، (خرگاه، هشت گوش)، حوض سوم هشت ضلعی، محیط آن ۱۰۸ پا، (بلبل، تخت)، حوض چهارم بالای آبشار، ۲۰ پا (در تصویر ۴، مربع فرض شده است)، در نقاشی که از «کرنلیوس له بروین» ۱۳ ترسیم شده، (تصویر ۵) این حوض دیده می شود که در اطراف مدرسه چهارباغ است؛ هر چند این مدرسه در زمان بازدید شاردن هنوز بنا نشده بود (۲ دروازه)، حوض پنجم کوچک (در تصویر ۴، محیط آن به اندازه حوض اول فرض شده است)، (مو- توت)، حوض ششم مربع، محیط آن ۱۰۸ پا، (درویشان حیدری، درویشان نعمت اللهی)، حوض هفتم ۱۲۴ پا (در تصویر ۴، مربع فرض شده است)، (شیرخانه، قفس، خانه).

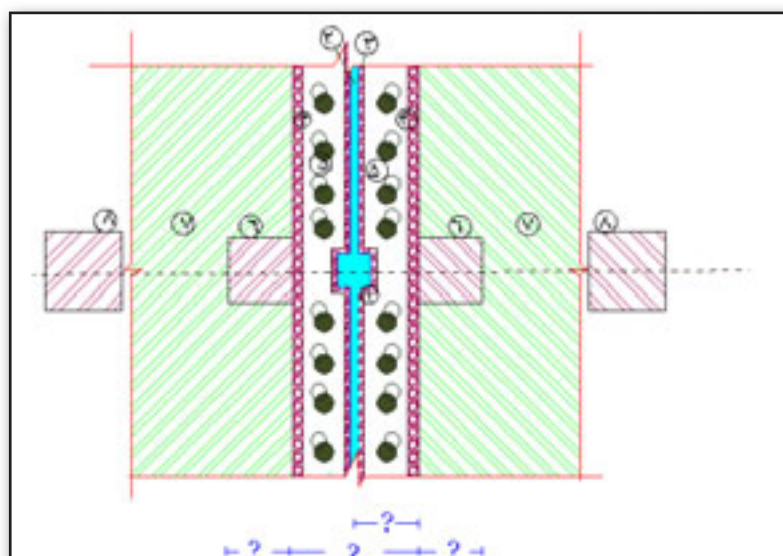
تقریباً ۱۴۰۰ متر می‌شود و احتمالاً منظور اولتاریوس از جمله "محیط آن در حدود یک چهارم مایل (فرسخ) است" طول خیابان چهارباغ عباسی است که در حدود یک چهارم فرسخ است و یک چهارم مایل تقریباً برابر با ۴۰۰ متر می‌شود که ارتباطی با ابعاد موجود در خیابان ندارد. البته این مطلب با جمله بعد عنوان شده "... و در هر طرف یک دروازه بزرگ دارد"، مرتبط است.

یکی از دروازه‌ها را می‌توان دروازه دولت در جبهه شمالی در نظر گرفت و دو دروازه دیگر در جبهه‌های شرقی و غربی، یکی به محله عباس‌آباد و دیگری به قصر سلطنتی (بنا به گفته شاردن)، و دروازه چهارم را می‌توان در نزدیکی زاینده‌رود دانست. اگر منظور وی از دروازه چهارم - با توجه به ادامه توصیفات وی که به باغ هزارجریب اشاره دارد- سردر باغ هزارجریب بوده، طول خیابان را اشتباه بیان کرده است.

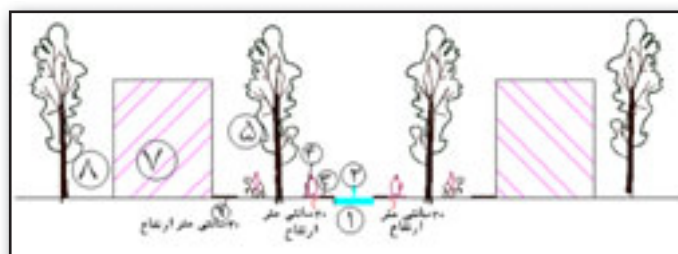
شاردن (۱۶۶۴-۱۶۷۰م.)

در زمان بازدید وی شاه عباس دوم درگذشت و شاه سلیمان سوم بر تخت سلطنت نشست و شاردن ناظر و شاهد بسیاری از توطئه های درباری در قضایای جانشینی شاه بود. وی خیابان مذکور را این گونه توصیف می کند: "... طول خیابان سه مایل و دویست پا و عرض آن صد و ده پاست. لبه های نهر آبی که در وسط و در تمام خیابان جاری است، از سنگ تراش ساخته شده و از سطح زمین نه انگشت (پوس) ارتفاع دارد و عرض آن به اندازه ای است که دو نفر سوار می توانند روی آن در هر طرف حرکت کنند. لبه های حوض ها نیز به همین عرض ولی قسمت سنگفرشی که میان درختان و دیوار خیابان است، به همین ارتفاع ولی عریض تر است" (تصویر ۳؛ شاردن، ۱۱۸: ۳۷۵)

"اطراف این خیابان فرح‌انگیز دلپسند باغ‌های وسیع زیبایی است که هر یک دارای دو عمارت کلاه فرنگی است که یکی بزرگ‌تر و در میان باغ و مشتمل بر تالاری است که از هر طرف باز و در



- ۱- حوض با اشکال مختلف
- ۲- نهر وسط خیابان
- ۳- لبه برآمده کنار نهر و حوض
(به انگشت - تقریباً ۳۰ سانتی متر)
(عرض - محل عبور دو سوار = ۵ متر)
- ۴- قسمت سنگفرش بین درختان و دیوار
(عرض بیش از ۵ متر)
- ۵- ردیف درختان
- ۶- گوشک سردر
- ۷- سیاح
- ۸- گوشک (هر باغ دارای دو گوشک)
• (مشابه با گوشک سردر از نظر امکان دید به اطراف)
• (تفاوت با گوشک سردر از نظر اندازه)
• (بزرگتر از گوشک سردر)



- ۱- نهر وسط
- ۲- فواره
- ۳- لبه برآمده کنار نهر
- ۴- لبه برآمده کنار حوض
- ۵- ردیف درختان
- ۶- سیاح
- ۷- سردر باغ
- ۸- سیاح

تصویر ۳. پلان خیابان چهارباغ و برش عرضی از آن براساس نوشته‌های شاردن، مأخذ: نگارنده.

Fig.3. Plan and Section of Chaharbagh based on Chardin's descriptions. Source: author.

ابهام و صحت. در زیر به چند مورد ابهام و صحت در گفته‌های شاردن اشاره می‌شود:

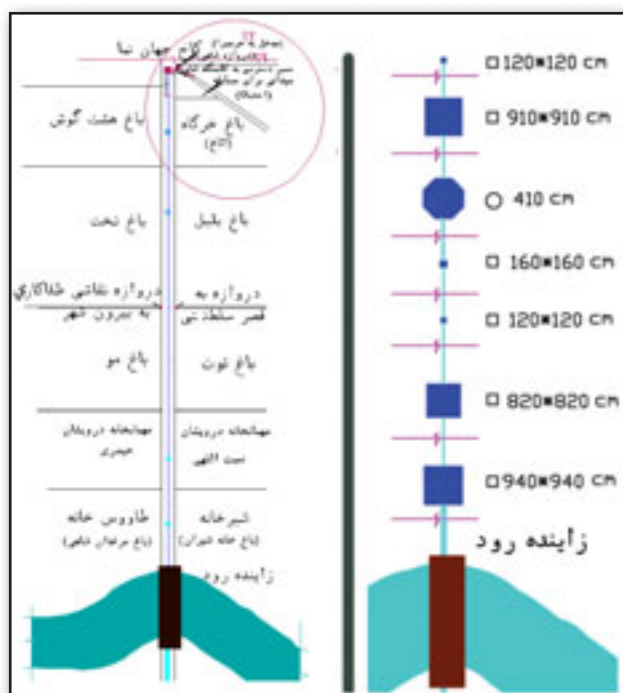
وی طول خیابان چهارباغ را ۳ مایل و دویست پا بیان داشته و با در نظر گرفتن هر مایل، ۱٫۶ کیلومتر و هر پا تقریباً ۳۰ سانتی‌متر، این طول تقریباً ۴۸۶۰ متر به دست می‌آید که با توجه به گفته‌های دیگر سیاحان و نمونه وضع فعلی عددی است تقریباً صحیح. ولی عرض آن را ۱۱۰ پا بیان داشته، تقریباً ۳۵ متر که به نظر نادرست است.

با توجه به گفته‌های شاردن، تخت مثنی در وسط حوض دوم قرار دارد و ده نفر به راحتی دور آن می‌نشینند.

اگر برای هر فرد یک متر از فضای نرده در نظر بگیریم و دو وجه این هشت ضلعی را بدون نرده فرض کنیم، ابعاد هر ضلع را تقریباً دو متر فرض می‌کنیم و مساحت هشت ضلعی به دست آمده، بیست مترمربع می‌شود؛ یعنی به طور متوسط برای هر فرد ۲ مترمربع (تصویر ۷)

کمپفر (۱۶۸۴-۱۶۸۸ م.)

"این خیابان از پشت قصر شاه شروع می‌شود و در جهت جنوب غربی به طور مستقیم تا باغ هزارجریب ادامه دارد. زیبایی خاص این خیابان به خصوص در نهری است که در وسط آن از سنگ تیشه‌ای تعبیه کرده‌اند و پنج پا عرض و یک پا عمق دارد. در این نهر آب زلال گاه با صدای دلچسپی که از برخورد آن با پله‌های سنگی حاصل می‌شود و گاه بدون سر و صدا و آرام در حوض‌ها و آبگیرهای مصنوعی جریان دارد تا اینکه سرانجام در شیبی که به



تصویر ۴. ابعاد حوض‌های هفتگانه و باغ‌های اطراف هر یک از حوض‌ها براساس گفته‌های شاردن، مأخذ: نگارنده.

Fig.4. Heptad pools' dimensions and gardens around each pool based on Chardin's descriptions. Source: author.

چنارهای مرتفع تنگ در کنار هم قرار دارد و غربا می‌توانند به اصطلاح خود ایرانی‌ها در زیر «طاق سبز» بخرامند. به همین منظور خیابان را قسمتی با سنگ‌های تیشه‌نخورده و قسمتی با سنگ‌های صیقلی فرش کرده‌اند" (همان).

"من (کمپفر) که با گام‌های بلند خیابان را اندازه می‌گرفتم عرض آن را شصت و سه گام برآورد کردم، طول آن در این سوی پل بالغ بر ۱۶۲۰ گام و در آن سوی پل ۲۲۰۰ گام است که طول پل را به اندازه ۴۹۰ گام باز باید بر آن افزود" (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۶).

تحلیل ابعاد: با توجه به اینکه درازای سی‌وسه پل، ۳۶۰ متر است (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۳۲۱)، اندازه هر گام او تقریباً ۷۴ سانتی‌متر بوده است و با این مقدار طول خیابان چهارباغ عباسی، ۱۲۰۰ متر و طول خیابان چهارباغ بالا، تقریباً ۱۶۳۰ متر و مجموع دو خیابان

پل الله‌وردیخان می‌رسد، پایان می‌یابد.

نزدیک اینجا دیگر آب به لوله‌هایی وارد می‌شود که آنها را در عمق زمین از نظرها پنهان کرده‌اند. هم حوض‌ها و هم نه‌رها را از سنگ‌های صیقل‌یافته به هنرمندی با اشکال مختلف و متنوع ساخته‌اند و ترکیب کرده‌اند؛ کنار برآمده نه‌ر و حوض‌ها را قهوه‌چی و صاحبان میهمان‌خانه‌ها با حصیر و قالی فرش کرده‌اند.

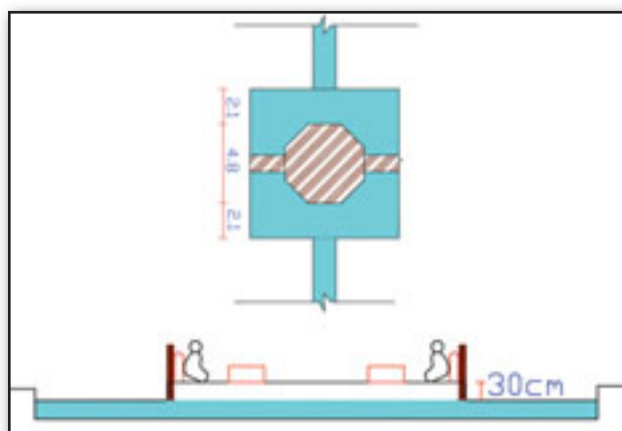
در روی این فرش‌ها مردم بیکار و فارغ‌البال می‌نشینند تا در حین کشیدن قلیان و صرف نوشیدنی شاهد نمایش و هنرنمایی شعرا، گویندگان و نقالان باشند و به بهترین و مطبوع‌ترین وجه وقت بگذرانند؛ فقط هنگامی که هوا زیاد گرم شود به اطاق‌های خنک قهوه‌خانه‌های مقابل رخت می‌کشند" (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۹۵).

"یکی از خصوصیات دیگر چهارباغ این است که در دو طرف



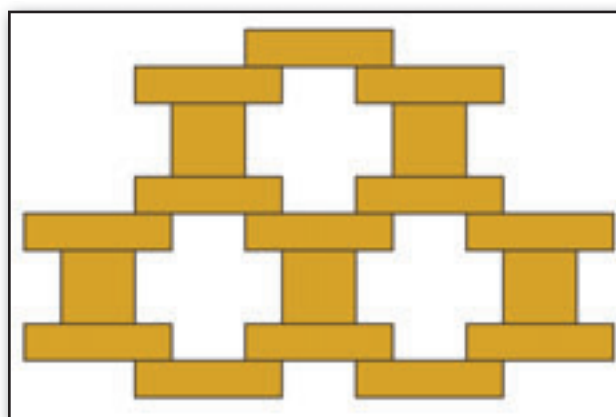
تصویر ۵. دید به مدرسه چهارباغ و اختلاف سطح در زمین کنار آن اثر بروین. مأخذ: <http://repository.tudelf.nl/view/MMP.2012>

Fig. 5. view of Chaharbagh School and its Level difference from the land beside, painted by Bruijn. Source: <http://repository.tudelf.nl/view/MMP.2012>



تصویر ۷. پلان و برش عرضی حوض دوم با تخت مثنی در وسط آن بنا به گفته‌های شاردن، مأخذ: نگارنده.

Fig. 7. Plan and Section of the second pool with octagonal throne in the middle of it based on Chardin's descriptions. Source: author.



تصویر ۶. دیوار مشبک، دیوارهای بخشی از خیابان چهارباغ اصفهان براساس توصیفات شاردن، مأخذ: نگارنده.

Fig. 6. Grid wall, walls of Chaharbagh avenue in Isfahan based on Chardin's descriptions. Source: author

ب) دوره قاجاریه (۱۷۹۷م) (۱۷۷۶ه.ش)

"حمله افغانه به اصفهان و سقوط دولت صفوی را باید آغاز روند زوال چهارباغ فرض کرد. هرچند دوره سیطره افغانه، بسیار کوتاه و در حدود هفت سال بود و در این مدت تقریباً به جز باغها و کاخهای فرح آباد که محل تجمع قشون افغان گشته بود، مابقی عناصر صفوی شهر سالم ماند. روند زوال چهارباغ و شهر اصفهان تا بعد از افشار نیز ادامه داشت. فقط در زمان کریم خان زند، اوضاع بهتر شد و کسانی که از اصفهان کوچ کرده بودند به اصفهان بازگشتند. جانشین کریم خان، علی مردان خان زند، اصفهان را پایتخت خود قرار داد و قدری مرمت باغات و چهارباغ عباسی را نمود و درختانی که نابود شده بود را تجدید غرس نمود" (فضل الملک، ۱۳۸۰: ۷۲). در دوره قاجار و به خصوص در زمانی که ظل السلطان حاکم اصفهان بود، این شهر خرابیهای بی شماری به خود دید.

اما تخریبهای اصلی این خیابان و تغییر ساختار کلی این خیابان در زمان شاهنده، شهردار اصفهان در زمان رضا شاه رخ داد. در این زمان بسیاری از کوشکها، سردرهای اطراف خیابان چهارباغ و درون باغهای مختلف که به مخروبه تبدیل شده بود، فروخته و سردرها و دیوارهای اطراف خیابان همگی تخریب و به جای آنها مغازهها و آپارتمانهای متعددی ساخته شد. (حقیقت بین، ۱۳۸۶: ۲۶) مطالب مشترک مطرح شده در نوشتههای سیاحان از دیدگاه منظر، حاکی از وجود چهار ردیف درخت در این خیابان است.

نوشته «میرزا علی خان نایینی» روزنامه نویس عصر ناصرالدین شاه نیز مؤید این مطلب است. "وی در سال ۱۳۰۰ ه.ق از دو باغچه عریض و چهار قطار چنار کهنه قوی هیکل سر به کهکشان کشیده با هزاران هزار طیور یاد می کند" (انصاری، ۱۳۸۰: ۵۷). در زیر به توصیفات سیاحان در دوره قاجار پرداخته می شود.

ژان اوتر فرانسوی (۱۷۳۴-۱۷۴۳م)

"چهارباغ خیابان بزرگی است که از دروازه شهر آغاز می شود و به پل بزرگ سنگی (سی و سه پل) می پیوندد؛ درختان چنار، به آن زیبایی داده و زمینهای دو طرف گل کاری شده است. آبی که از وسط آن می گذرد، در مسیر خود در چند حوضچه می ریزد. روی هم رفته جای بسیار شاد و دلنوازی ساخته شده و یکی از گردشگاههای بی نظیر به شمار می رود" (اشراقی، ۱۳۷۸: ۲۵۱).

با سی و سه پل، تقریباً ۳۲۰۰ متر به دست می آید. همچنین عرض خیابان، ۵۰ متر به دست می آید. ابعاد نهر میانی خیابان چهارباغ، ۱،۵ متر عرض و ۳۰ سانتی متر عمق بیان شده است.

جملی کاری (۱۶۹۴م)

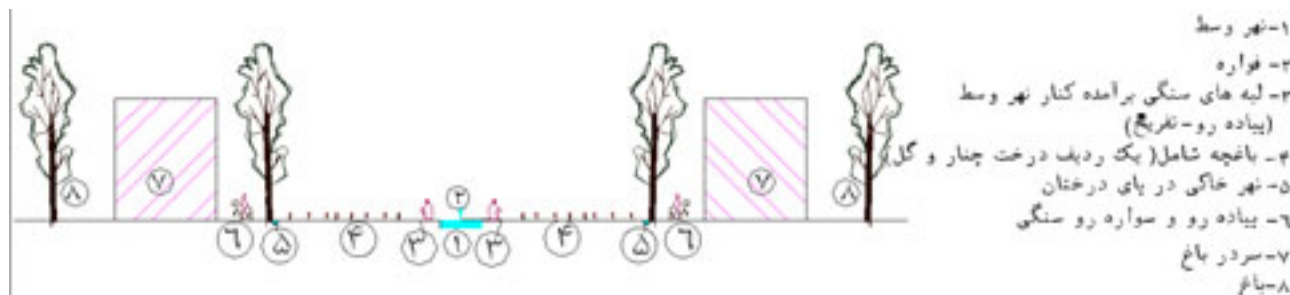
"در آخر این خیابان عمارت بزرگی قرار گرفته که از خارج بالکنهایی دارد که تا اندرون کاخ شاه کشیده می شود. در وسط خیابان جوی آبی از سنگ تراش ساخته شده، این قنات در امتداد چهار حوض بسیار وسیع پر از ماهیهای رنگارنگ جریان دارد. در دو طرف خیابان دو ردیف چنار کاشته شده. محوطه پای درختان کمی مرتفع و مخصوص استراحت تفرج کنندگان است.

عبور اسب و دیگر چهارپایان از این قسمت میدان سخت ممنوع است. موقع عصر ایرانیها برای استراحت و به در کردن خستگی روزانه جهت کشیدن قلیان و صرف میوه - مخصوصاً در مواقع گرما - به دکههای کوچک این محوطه روی می آورند. زاینده رود تقریباً در یک مایلی این قسمت واقع شده. پل سی و پنج چشمه زیبایی دارد. در دو طرف سطح پل دو پیاده رو، به ارتفاع شانزده پالم تعبیه شده، خیابان وسیع دیگری در حدود دو مایل در روبه رو و امتداد خیابان چهارباغ در آن طرف پل قرار گرفته که باغها و دکانهای زیبایی متعدد در دو طرف آن دیده می شود" (کاری، ۱۳۴۸: ۶۷).

ابهام: احتمالاً منظور وی از چهار حوض، چهار حوض بزرگ خیابان بوده؛ زیرا بنا به گفته شاردن چهار حوض از حوضهای هفت گانه چهارباغ، بزرگ بوده اند (تصویر ۴).

تحلیل ابعاد: همچنین وی طول خیابان چهارباغ عباسی را ۱،۶ کیلومتر و چهارباغ بالا را ۳،۲ کیلومتر بیان کرده است.

در تصویر ۸، مقطعی از خیابان چهارباغ در دوره صفوی با توجه به مطالب ارایه شده سیاحان در دوره صفوی ارایه شده است. با توجه به گفتههای کمپفر و کاری دو ردیف درخت در این خیابان وجود داشته است. همچنین تاورنیه به نهر خاکی پای درختان اشاره کرده است. اکثر سیاحان به نهر وسط خیابان و حوضهای متعدد در آن و همچنین به صفوف منظم درختان در خیابان، سردرهای دو طبقه باغها در روبروی هم اشاره کرده اند. دو مسیر در هر سمت خیابان - پشت دیوارهای باغ و در اطراف نهرها - در گفتههای سیاحان ذکر شده که تاورنیه و شاردن مسیر پشت دیوارهای باغ را عریض تر از قسمت سنگفرش در اطراف نهرها دانسته اند.



تصویر ۸. مقطع از خیابان چهارباغ عباسی در دوره صفویه، مأخذ: نگارنده.

Fig. 8. Section of Chaharbagh Abbasi in Safavid era. Source: author

چهارباغ) به عرض خیابان ۱: ۱۲۰۰ بوده است. با توجه به اینکه درازای سی‌وسه پل، ۳۶۰ متر و عرض آن ۱۴ متر است (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۳۲۱)، می‌توان هر گام او را یک متر در نظر گرفت. با این فرض عرض خیابان ۳۶ متر و طول آن ۴۳۱۰ متر به دست می‌آید.

ارنست هولتسر آلمانی (۱۸۶۳م.)

"دو تقسیم‌بندی دیگر دارای چنارهای بلند زیبا را من در ۱۸۶۴ دیدم که در فاصله‌های منظم از یکدیگر (بگوییم ۸ یارد ایرانی) و همه در طول راه‌آب و راه‌های فرعی کنار دیوارهای باغ قرار داشتند و همه با هم چهار ردیف درخت را تشکیل می‌دادند و میان آنها گل‌کاری‌هایی بودند. اما پس از سال ۱۸۶۹ درخت‌های کهن از بین رفتند و جای آنها درخت تازه‌ای نگاشتند، آب مرتب به آنها داده نمی‌شد ... در طول چهارباغ از شهر تا رودخانه یا پل کمی در حدود هزار یارد ایرانی- از پل تا انتهای هزارجریب ... یارد ایرانی ... عرض در حدود ۳۵ یارد.

راه‌آب مرکزی به عرض یک ذرع و نیم با سنگ‌های بزرگی در تمام طول گذرگاه‌ها در دو طرف آن محصور شده هر یک از گذرگاه‌ها ۳ ذرع عرض دارد و گذرگاه‌ها در طول دیوارهای دو طرف هر کدام به



تصویر ۹. قسمتی از نقشه شهر اصفهان، اثر پاسکال کست. مأخذ:

<http://en.wikipedia.org.2012>

Fig. 9. Part of Isfahan map. Pascal Coste. Source: <http://en.wikipedia.org.2012>

پاسکال کست (۱۸۳۹م.)

نقشه‌ای که به وسیله پاسکال کست فرانسوی ترسیم شده در کتابی به نام آثار باستانی مدرن ایران به سال ۱۸۶۷م. در پاریس به چاپ رسیده است.

بر روی نقشه پاسکال کوست حصار شهر بیش از همه جلب توجه می‌کند که یادگار دوره صفویه بوده است. در جنوب شهر، باغ هزار جریب به شکل مستطیل در انتهای چهارباغ توجه هر بیننده را به خود جلب می‌کند. نمایش باغ هزارجریب بر روی این نقشه برای ما روشن می‌سازد که تا یک قرن قبل، باغ هزارجریب دارای حصار می‌شخص و معین بوده است (شفقی، ۱۳۸۱: ۳۵۱).

نقشه پاسکال کست با اصول صحیح نقشه‌برداری تهیه‌شده و طرح کلی آن با نقشه‌های فعلی فرق ناچیزی دارد. شبکه‌های ارتباطی، خیابان‌ها و گذرهای اصلی و بالاخره ادارات دولتی و بناهای مهم شهر، در محل واقعی خود ترسیم شده است. از جمله اشتباهات این نقشه هم‌جهت‌بودن میدان نقش جهان با خیابان چهارباغ عباسی است (تصویر ۹). در تصویر ۱۰، کست به جایگاه حوض‌های خیابان چهارباغ پرداخته، وی تعداد حوض‌ها را ۸ مورد ترسیم کرده؛ ولی بنا به گفته شاردن، تعداد حوض‌ها ۷ مورد بوده است. در گفته‌های شاردن فقط به یک حوض هشت‌گوش در روبروی باغ بلبل اشاره شده، ولی در این ترسیم مادی نیاصرم از حوضی هشت‌ضلعی عبور کرده که این حوض، حوض ششم از حوض‌های هفت‌گانه است که شاردن آن را مربع بیان داشته است. در این نقشه، اشتباهی که در ترسیم دولتخانه از کمپفر در مورد شکل حوض روبروی باغ بلبل دیده شده، وجود دارد. اشتباه دیگر در این نقشه، موازی‌بودن دولتخانه با خیابان چهارباغ است.

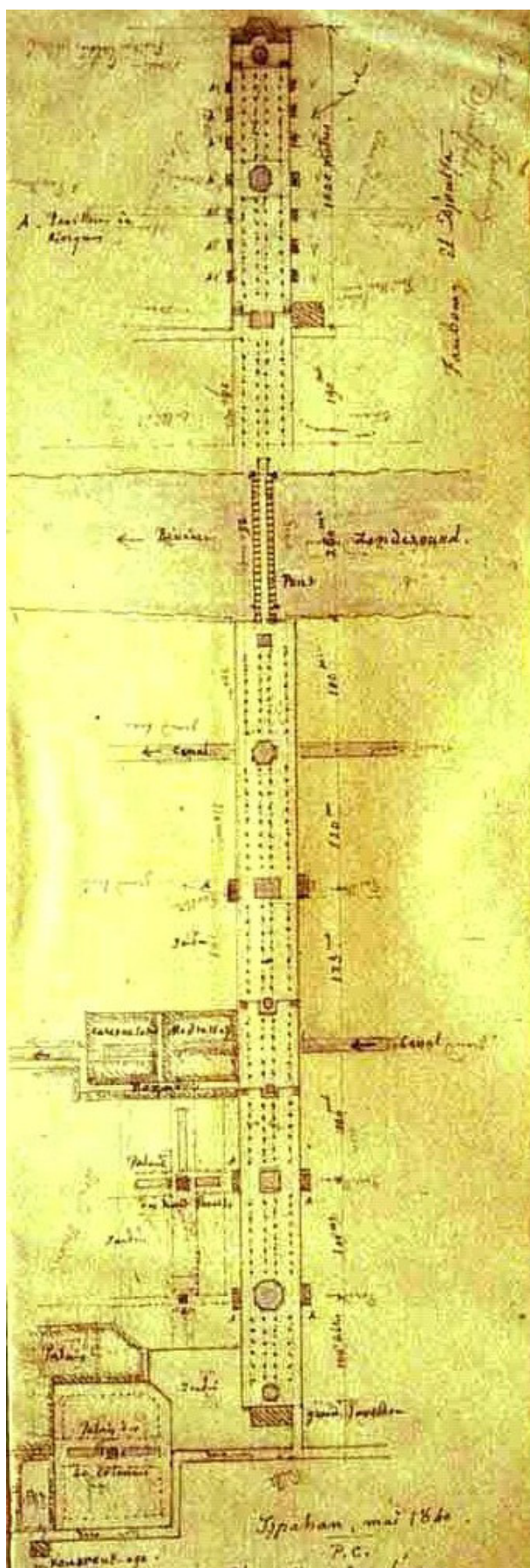
دکتر هنریش بروگش (۱۸۵۹-۱۸۶۱م.)

"چهارباغ، واقعا یک خیابان زیبا، باشکوه و بی‌مانند است. این خیابان با بولوار زیبا در اواخر قرن شانزدهم میلادی به وسیله شاه عباس کبیر ساخته شده است و عرض آن در حدود ۳۶ قدم بزرگ و طول آن به ضمیمه پلی که به آن منتهی می‌شود، بالغ بر ۴۳۱۰ قدم بزرگ است. در وسط این خیابان در فواصل معینی حوض‌هایی با فواره‌های زیاد ساخته شده است."

"در اطراف بولوار نیز درختان چنار، سر به فلک کشیده‌اند، در فواصل میان حوض‌ها و فواره‌ها با باغچه‌هایی مملو از گل و گیاه احداث شده است. در دو طرف خیابان باغ‌ها و ساختمان‌های زیبایی رجال و اشراف و قصور سلطنتی و همچنین مساجد و مدارس قدیمه واقع شده است که این بر شکوه و جلال خیابان می‌افزاید و تماشای هر یک از آنها مدت‌ها وقت می‌گیرد."

"یک خیابان کوتاه ۸۰ متری با کمی انحراف پل را به خیابان چهارباغ متصل می‌کند، پل در حدود ۳۶۰ قدم طول و سیزده قدم عرض دارد" (بروگش، ۱۳۶۸: ۳۷۹-۳۸۰).

ابهام: کمپفر نیز با گام‌های بلند طول و عرض خیابان را اندازه گرفته، و تعداد گام‌های او برای ارایه طول (۴۳۱۰ گام) با آنچه بروگش بیان داشته برابر ولی برای ارایه عرض با وی متفاوت است. تحلیل ابعاد: با توجه به نظر بروگش نسبت طول (مجموع دو



عرض ۳ ذرع و نیم هستند (هولستر، ۱۳۵۵: ۷۸).
 "... فقط در چهارباغ همه می‌توانند شب و روز توقف کنند، البته به این شرط که زینانی نرسانند" (اشراقی، ۱۳۷۸: ۴۳۲). در عکس‌هایی که از هولستر به جا مانده، اکثر دیوارهای این خیابان به صورت خشت و غیر مشبک دیده شده است؛ حال آنکه شاردن بیان داشته که این دیوارها در بعضی از نقاط مشبک بوده‌اند. همچنین با بررسی عکس‌های هولستر، دیده شده که نسبت دیوارهای اطراف کاخ جهان‌نما به سردر آن نسبت به سردرهای دیگر بیشتر بوده است (تصویر ۱۱).

دکتر ویلز انگلیسی (سال ۱۸۶۹م.)

"چهارباغ اصلی شامل دو خیابان عریض و وسیع است که در سرتاسر طرفین آن درخت‌های چنار کهن دیده می‌شود. افسوس که این چنارهای زیبا به علت بی‌توجهی مرتباً در حال از بین رفتن است. محوطه چهارباغ به وسیله دیواری سرتاسری محدود شده و راه ورود به آن از میان دو دروازه بزرگ واقع در دو سر آن است که به محض ورود به آنجا انسان خودش را در میان باغی وسیع، پردرخت و خوش آب و هوا می‌بیند. عرض سرتاسری آن حدود ۴۰ متر است. در سمت راست آن ساختمان مدرسه علمی قرار دارد، سفال‌های آبی خوش‌رنگ گنبد آن در حال پوسیدگی و فروریختن است. با این وجود هنوز هم منظره این کاشی‌های منقش به نقوش گل و گیاه طلایی آن از کیلومترها دورتر جالب و تحسین‌برانگیز است. با این وجود حضور دکه‌های میوه و قلیان فروشان در اطراف و کناره دروازه، از جلوه آن کاسته و منظره بدی به آن داده است" (اشراقی، ۱۳۷۸: ۲۷۹-۲۷۸).

ابهام: احتمالاً منظور وی از دو دروازه بزرگ، دروازه دولت و سردر باغ هزار جریب بوده و به دو دروازه دیگر که شاردن در جهت شرقی و غربی خیابان چهارباغ عباسی اشاره داشته و دروازه اطراف زاینده‌رود، توجه نکرده است.

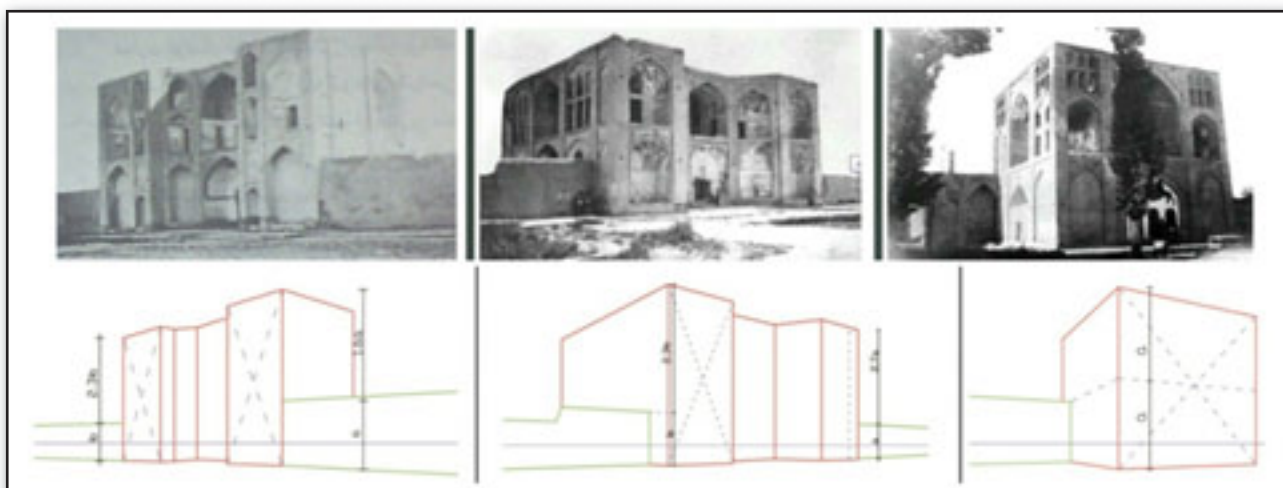
مادام دیولافوا (۱۸۸۱-۱۸۸۶م.)

"این خیابان گردشگاه بانشاطی است که درختان برومند آن در زمان شاه‌عباس کاشته شده است. در اینجا پنج خیابان عریض امتداد دارد که چنارهای ۳۰۰ ساله بر آنها سایه افکنده‌اند، قرون گذشته به این درختان پیر، حس ترحمی نشان نداده‌اند، عده زیادی از آنها خشکیده و حفره‌های حزن‌آوری در آنها تولید شده است. خیابان چهارباغ در طول سه کیلومتر امتداد دارد. خیابان مرکزی محل عبور پیادگان است و سطح آن سنگفرش و دارای مجرای آبی است که به یک رشته حوض‌های بزرگ و کوچک آب می‌رساند. دو خیابان طرفین آن مخصوص عبور سواران و کاروانیان است. در طرف راست و چپ خرابه‌های قصوری دیده می‌شود که سابقاً مسکن اعیان و اشراف بوده است" (اشراقی، ۱۳۷۸: ۴۹۹). صحت این مطلب در تصویر ۵ از بروین دیده می‌شود.

تصویر ۱۰. ترتیب حوض‌های چهارباغ براساس نقشه پاسکال کست.

مأخذ: (<http://www.middleeastgarden.com.2012>)

Fig. 10. Arrangement of pools in Chaharbagh based on Pascal Coste's plan. Source: <http://www.middleeastgarden.com.2012>



تصویر ۱۱. نمایی از خیابان چهارباغ، هولستر. مأخذ: هولستر ۱۳۵۵.

Fig. 11. View of Chaharbagh , Holtzer. Source: Holtzer.1976

نسبت ارتفاع سردر جهان نما به دیوارهای اطراف ۱:۲
نسبت ارتفاع سردر باغ شیرخانه به دیوارهای اطراف نسبت ۱:۳,۳ (نسبت ارتفاع سردر به دیوار شمالی)، نسبت ۱:۳,۷ (نسبت ارتفاع سردر به دیوار جنوبی)
نسبت ارتفاع سردر باغی در خیابان چهارباغ به دیوارهای اطراف، نسبت ۱:۳,۳ (نسبت ارتفاع سردر به دیوار شمالی)، نسبت ۱:۲,۶ (نسبت ارتفاع سردر به دیوار جنوبی)

جمع بندی

تعداد ۴ ردیف درخت و از نوع چنار یک مسئله مشترک مطرح بین اکثر سیاحانی بوده که در دوره قاجار از اصفهان دیدن کرده‌اند. سیاحانی که در دوره صفویه به اصفهان آمدند، تعداد ردیف درخت چنار برای خیابان چهارباغ اصفهان را ۲ ردیف بیان داشته‌اند. اکثر سیاحان برای این خیابان درخت چنار را برشمردند. نظام کاشت در این خیابان در دو بخش (نوع درختان و تعداد ردیف درختان) در جدول ۱ ارایه شده است. اکثر جهانگردان به نهر وسط خیابان و حوض‌های چهارباغ اشاره کرده‌اند. همچنین سیاحان به وجود حوض‌هایی در عمارت سردر اشاره داشته‌اند. از جمله عناصر بقا در شهر، مادی‌هاست. مادی‌های منشعب در خیابان، داخل باغ‌ها شده و به صورت نهر آبی جریان داشته است. همچنین وجود حوض‌هایی در کاخ هشت بهشت و باغ بلبل، مؤید این مطلب است. سه مادی از این خیابان و باغ‌های آن عبور می‌کرده است: ۱- مادی نیاصرم (مهمانخانه درویشان نعمت‌اللهی - مهمانخانه درویشان حیدری) ۲- جوی شاه (وارد حوض مقابل باغ بلبل) ۳- مادی فرشادی (مدرسه چهارباغ و باغ تخت). بنا به گفته تاورنیه، تعداد آبشارها در محل تقاطع هر حوض با نهری وجود داشته؛ ولی بنا به گفته دیگر سیاحان در بعضی از تقاطع‌ها آبشار به وجود می‌آمده است، از جمله شاردن به سه آبشار در این خیابان (چهارباغ عباسی) اشاره کرده است. نظام آب در این خیابان در پنج بخش (عرض و عمق و تعداد نهر، تعداد حوض و مصالح نهر و حوض‌ها) در جدول ۱ ارایه شده است. از نوشته‌های سیاحان، این‌گونه برداشت می‌شود که هر یک از باغ‌های اطراف خیابان چهارباغ اصفهان، دارای دو عمارت بوده است که یکی در سردر باغ و از هر طرف به سمت باغ و خیابان باز بوده و دیگری در داخل باغ و گوشه مرکزی نامیده می‌شده است و از هر سو به سمت باغ باز می‌شده است. همچنین در گزارش‌های پیترو دل‌واله و شاردن آمده که گوشه‌ها در همه باغ‌ها (تقریباً) دارای مساحت یکسان بوده ولی ساختمان آنها متفاوت است. همچنین قرینه‌سازی در دو سمت خیابان، با قرارگیری سردرها، رعایت شده است.

هر یک از سیاحان به ارایه ابعادی برای این خیابان به شیوه‌های مختلف تعداد گام، اندازه به مایل یا کیلومتر پرداخته‌اند. در جدول ۱، طول و عرض این خیابان با توجه به نظر هر سیاح ارایه شده است. در خیابان چهارباغ اصفهان و باغ‌های اطراف آن، فعالیت‌های مختلف تجاری، گردشگری، ارتباطی، آموزشی- مذهبی، حکومتی و مسکونی انجام می‌شده است. کمپفر به فعالیت مهمانخانه‌ها و قهوه‌خانه‌ها در این خیابان اشاره داشته‌اند. شاردن به وجود دو مهمانخانه درویشان حیدری و نعمت‌اللهی در این خیابان و اکثر سیاحان به گردش مردم در این خیابان اشاره داشته‌اند. همچنین وجود مدرسه مادرشاه نشان از فعالیت آموزشی- مذهبی در این خیابان دارد. همچنین خیابان چهارباغ اصفهان در زمان خود به عنوان یک شاهراه مورد استفاده قرار می‌گرفته و از نظر عملکرد، قسمت جنوبی دولتخانه صفویه را به قسمت بالایی شهر، یعنی باغ هزار جریب متصل می‌کرده است. در جدول ۱ به ارایه فعالیت‌ها و سرگرمی‌ها در این خیابان با توجه به نظر هر سیاح پرداخته شده است. از گفته‌های منابع در خصوص توصیف چهارباغ در دوره صفویه تا دوره قاجاریه می‌توان چنین برداشت کرد که از آن مجموعه عظیم و زیبای گذشته، امروزه تنها نامی باقی مانده است. در زیر چشم‌اندازی تصویری از خیابان چهارباغ در دوره‌های صفویه و قاجار ارایه شده است.

جدول ۱. نظام کاشت، نظام آب، طول و عرض خیابان، فعالیت‌ها و سرگرمی‌ها در خیابان چهارباغ عباسی مأخذ: نگارنده.
Table 1. planting system, watering system, length and width, activities and hobbies in Chaharbagh Abbasi avenue. Source: author

نظام کاشت	صفویه	پیترو دلاواله		تاووریه	اولتاریوس	کمپفر	جملی کاری	
	تعداد ردیف درخت	-----		-----	-----	۲ردیف	۲ ردیف	
	نوع درخت	درختان انبوه		چنار	درختان سایه‌دار و چنار	چنار	چنار	
	بعد از صفویه	ژان اوتر فرانسوی		هتیش پروگش	هولستر	ویلز انگلیسی	مادام دیولافوا	
	تعداد ردیف درخت	-----		-----	۴ردیف	۴ ردیف	۴ ردیف	
نظام آب	نوع درخت	چنار	چنار	چنار	چنارهای سبده ساله	چنار و ستبر		
	دلاواله	تاووریه	شاردن	کمپفر	کاری	ژان اوتر	هولستر	
	عرض نهر	-----	-----	-----	۵یا (۵متر)	-----	-----	
	عمق نهر	-----	-----	-----	۱یا (۳۰ سانتیمتر)	-----	-----	
	تعداد نهر	۱	۳	۱	۱	۱	-----	
	تعداد حوض	-----	به تعداد عمارت	۷	-----	۴	-----	
مصالح		سنگ	سنگ	سنگ	سنگ تیشه	سنگ تراش	-----	
طول و عرض			چهارباغ عباسی	چهارباغ بالا	کل		عرض	
	پیترو دلاواله		-----	-----	۲ الی ۳ مایل (۳۲۰۰ تا ۴۸۰۰متر)		دو برابر پونت موله	
	تاووریه		-----	-----	بیش از ۱۵۰۰ قدم		۷۰-۸۰ قدم	
	شاردن		-----	-----	۳مایل و ۲۰۰ یا (۴۸۶۰متر)		۱۱۰ یا (۳۵متر)	
	کمپفر		۱۶۲۰گام (۲۰۰متر)	۲۲۰۰گام (۱۶۳۰متر)	۴۳۱۰گام (یا بحساب ۴۹۰ یا ۳۲۰۰متر)		۴۳گام (۱۰متر)	
	جملی کاری		۱مایل (۱,۶Km)	۲مایل (۳,۲Km)	-----		-----	
	هتیش پروگش		-----	-----	۴۳۱۰ قدم بزرگ		۳۶ قدم بزرگ	
	هولستر		۱۰۰۰ یارد	-----	-----		۳۵ یارد	
	دکتر ویلز انگلیسی		-----	-----	-----		۴۰ متر	
	مادام دیولافوا		-----	۳کیلومتر	-----		-----	
سرگرمی ها و فعالیت‌ها	سیاحان		فعالیت					
	پیترو دلاواله		اجازه ورود به باغ‌های سلطنتی جشن گل -مراسم عید قربان -مراسم آب‌پاشان جشن اطعام -مراسم سوگواری					
	اولتاریوس		اجازه ورود به باغ‌ها یا پرداخت پول و اجازه استفاده از میوه‌های آن‌ها					
	ژان شاردن		گردش عصرها در نه ماه از سال					
	کمپفر		قلیان کشیدن صرف نوشیدنی - اجرای نمایش و هنرتمایی شعرا، گویندگان و نقالان					
	جملی کاری		گردش در خیابان، دک‌های میوه و قلیان فروشان					
	ژان اوتر		گردش در خیابان					
	هتیش پروگش		گردش در خیابان					
	ارنست هولستر		گردش در خیابان					
	ویلز انگلیسی		دک‌های میوه و قلیان فروشان					
مادام دیولافوا		گردش در خیابان						

بی‌نوشت‌ها

۱. Della Valle, Pietro / ۲. Tavernier, Jean Baptiste / ۳. Tavernier, Jean Baptiste / ۴. Chardin, Jean / ۵. Kaempfe / ۶. Careri, Gemlli / ۷. Otter, Jean / ۸. Coste, Pascal / ۹. Brugsch, Heinrich / ۱۰. Holtzer, Ernst / ۱۱. Holtzer, Ernst / ۱۲. Dieulofoy, Jane / ۱۳. Cornelis de Bruijn



تصویر ۱۳. نقشه خیابان چهارباغ عباسی در دوره قاجار توسط نقشه‌برداران روسی. مأخذ: هولستر، ۱۳۵۵.

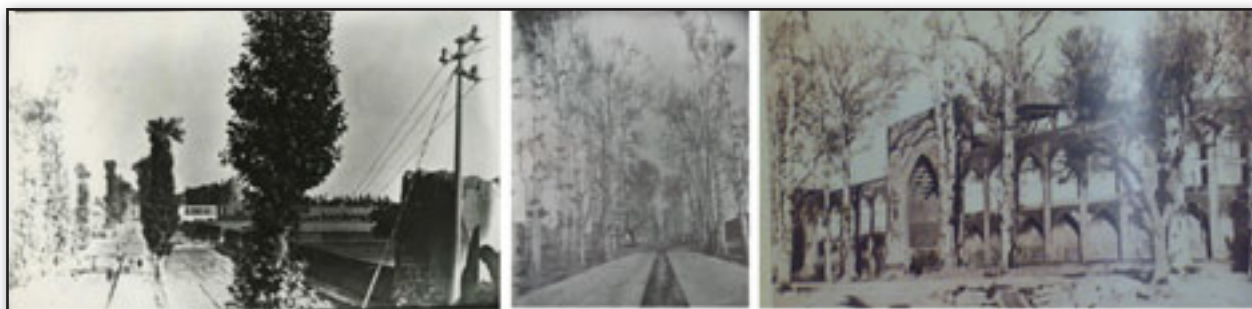
Fig. 13. The map of Chaharbagh Abbasi avenue in Qajar era by Russian surveyors. Source: Holtzer.1976



تصویر ۱۲. نقشه بازسازی شده خیابان چهارباغ عباسی صفوی با توجه به ترسیمات کمپفر و ویلبر و توصیفات ارائه شده از این خیابان در منابع تاریخی، مأخذ: نگارنده.

Fig. 12. Reconstructed plan of Chaharbagh Abbasi avenue in Safavid era based on Kaemfer and Wilber and represented descriptions of this avenue in historical resources.

Source: author



تصویر ۱۴. دیدهای مختلف به خیابان چهارباغ در دوره قاجاریه. مأخذ: هولستر، ۱۳۵۵.

Fig. 14. Different views of Chaharbagh avenue in Qajar era . Source: Holtzer.1976.

فهرست منابع

- اشراقی، فیروز. ۱۳۷۸. *اصفهان از دید سیاحان خارجی*. تهران: نشر آتروپات.
- انصاری، مجتبی. ۱۳۸۰. *باغ شهر - چهارباغ اصفهان (صفوی)*، الگوی توسعه شهر براساس باغ ایرانی. گردآورنده: مرتضی دهقان نژاد. همایش اصفهان و صفویه ۷ - ۶ اسفندماه. دانشگاه اصفهان. ایران.
- اولتاریوس، آدام. ۱۳۷۹. *سفرنامه آدام اولتاریوس (اصفهان خونین شیخ صفی)*. ت: حسین کردبچه. تهران: انتشارات هیرمند.
- بروگش، هاینریش کارل. ۱۳۶۸. *سفری به دربار سلطان صاحبقران*. ت: حسین کردبچه. تهران: انتشارات اطلاعات.
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۸۲. *سبک‌شناسی معماری ایران*. گردآورنده: غلامحسین معماریان. تهران: نشر پژوهنده-نشر معمار.
- تاورنیه، ژان باتیست. ۱۳۶۳. *سفرنامه*. ت: ابوتراب نوری. تهران: انتشارات کتابخانه سنایی و کتاب فروشی تأییدیه اصفهان.
- حقیقت‌بین، مهدی. *بررسی زیباشناختی طراحی باغ ایرانی در محورهای شاخص شهری (صفوی)* و تأثیر آن بر خارج از ایران (شبه قاره هند و اروپا). رساله دکتری. دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.
- حقیقت‌بین، مهدی، انصاری، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. ۱۳۸۶. *طراحی پایدار در فضای سبز شهری اصفهان در دوران صفویه و تخریب آن در دوران معاصر*. فصلنامه علمی پژوهشی مدرس هنر، (۲): ۲۷-۱۹.
- حقیقت‌بین، مهدی، انصاری، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. ۱۳۸۸. *بررسی تاریخی خیابان (چهارباغ) شهر مشهد در عصر صفویه*. پژوهش‌های تاریخی، ۴۵ (۴): ۵۴-۳۷.
- دلاواله، پیتر. ۱۳۴۸. *سفرنامه پیتر دلاواله*. ت: شعاع‌الدین شفا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شاردن، ژان. ۱۳۷۵. *سفرنامه شاردن*. ت: اقبال یغمایی. تهران: توس.
- شاردن، ژان. ۱۳۸۷. *سفرنامه ژان شاردن به ایران*. ت: محمد مجلسی. تهران: نشر دنیای نو.
- شفقی، سیروس. ۱۳۸۱. *جغرافیای اصفهان*. اصفهان: چاپخانه دانشگاه اصفهان.
- فضل‌الملک، غلامحسین. ۱۳۸۰. *سفرنامه اصفهان*. ویراستار: ناصر افشاری‌فر. تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کارری، جملی. ۱۳۴۸. *سفرنامه کارری*. ت: عباس نخجوانی. آذربایجان شرقی: نشر اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
- کمپفر، انگلبرت. ۱۳۶۳. *سفرنامه کمپفر*. ت: کیکاوش جهان‌داری. تهران: خوارزمی.
- هولستر، ارنست. ۱۳۵۵. *ایران در یکصد و سیزده سال پیش*. ت: محمد عاصمی. تهران: انتشارات وزارت و فرهنگ و هنر.

Reference list

- Ansari, M. (2001). Baghshahr- Chaharbagh Isfahan (safavie) [Olgoy-e to'she shahr barasas-e bagh-e irani, garden city - Chaharbagh Isfahan (safavid)]. The pattern of urban development based on Iranian garden. (Collector: Dehghan, M.) Conference of Isfahan & Safavid era. Isfahan: University of Isfahan.
- Brugsch, H.C. (1989). *Travel to Sultan- e Sahebgharan's court*. Translated to Farsi by Kordbacheh, H. Tehran: publication of Ettelahat.
- Careri, G (1968). *Itinerary of Careri*. Translated to Farsi by Nakhjavani, A. East Azerbaijan: Department of Culture and Art Publishing in East Azerbaijan.
- Chardin, J. (1996). *Itinerary of Chardin*. Translated to Farsi by Yaghmaee, E. Tehran: Toss.
- Chardin, J. (2008). *Itinerary of Chardin*. Translated to Farsi by Majlesi, M. Tehran: Donya- ye No.
- Della Valle, P. (1991). *Itinerary of Pietro Della Valle: part of Iran*. Translated to Farsi by Shafa, Sh. Tehran: Scientific & Cultural Publishing Company.
- Eshraghi, F. (1999). *Isfahan az dide sayyahan- e khareji* [Isfahan from travelers' view]. Tehran: Atropat.
- Haghighatbin, M. *Aesthetic study of Iranian garden in city index axes (Safavid) and its influences of abroad of Iran (Indian Subcontinent & Europe)*. Ph.D. thesis. University of Isfahan: Faculty of Architecture and Art.
- Haghighatbin, M., Ansari, M. & Pourjafar, M. (2007). Sustainable Design in Isfahan in Safavid era and its destruction in contemporary era. *Modares- e Honar* (2): 19-27.
- Haghighatbin, M., Ansari, M. & Pourjafar, M. (2009). Historical study of Chahrbagh avenue in Mashhad in Safavid era. *Pazhoheshha- ye Tarikhi* (4): 37-54.
- Holtzer, E. (1976). *Iran in one hundred and thirteen years ago*. Translated to Farsi by Asemi, M. Tehran: publications of the Ministry of Culture and Art.
- Kaempfer, E. (1969). *Am hofe des persischen grosskeonings (1684-85)*. Translated to Farsi by Jahandari, K. Tehran: Kharazmi.
- Olearius, A. (2000). *Itinerary of Adam Olearius: Mortal Isfahan of Sheikh Safi*. Translated to Farsi by Kordbacheh, H. Tehran: Hirmand.
- Pirnia, M.K. (2003). *Sabkshenasi- ye memari- ye Iran* [Methodology of Iranian architecture]. Collector: Memarian, Gh.H. Tehran: publication of Pazhohandeh me'mar.
- Shafaghi, S. (2002). *Goghrafia- ye Isfahan* [Geography of Isfahan]. Isfahan: Publication of Isfahan University.
- Fazloli malek, Gh.H. (2001). *Safarname- ye Isfahan* [Itinerary of Isfahan]. Editor: Afsharifar, N. Tehran: Publication of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Tavernie, J.B. (1984). *Itinerary of Tavernie*. Translated to Farsi by Nouri, A. Isfahan: Sanayi Library & Tayidieh Bookstore.

Regeneration of Chaharbagh Abbasi Avenue in Isfahan in Safavid and Qajar Eras with Emphasis on the Pictorial Expressions of Travelers' Documents*

Soudabeh Gholipour*

Abstract

Throughout the history, the creation of gardens has been the most beautiful of human activities. One of the most ancient arts of Iranians is the art of gardening which is valuable tradition and has spiritual power. The appearance of Persian garden so far has been utterly consistent with the nature and amount of the water. Given the variety of climate conditions in Iran, with few changes, Persian garden has been emerged in various forms. Since Safavid era, Gardens all over the city have been considered as elements of shaping the physical structure of the city. All the evidence from that period indicates that there was plenty of water in Isfahan, Zayanderud (river) was a natural axis and water was sent to all parts of the city. There were gardens which had created by using water streams (called MADI). In fact architecture of Isfahan in Safavid era was formed in its city and nature substrates. chaharbagh Abbasi avenue is one of the historic avenues in Isfahan which is located between Darvazeh Dolat and Si-O-Se pol. The avenue was designed in Shah Abbas I era. Shah Abbas I was the king who changed his capital from Qazvin to Isfahan and decided to gather all artistic wealth of the county into that central spot which has been called "Nesfe Jahan" or "Half of the World" for centuries. The chief architect of this urban design was Shaykh Bahai (Baha' ad-Din al-'Amili), who focused the program on two key features of Shah Abbas's master plan: Chaharbagh avenue- flanked at either side by all the prominent institutions of the city and the residences of all foreign dignitaries- and Naqsh-e Jahan Square.

The public boulevard is about 1,650 meters long and consists of four quadripartite gardens arranged along the north-south axis that slopes towards the south. Each quadripartite unit is composed of two squares and two rectangular plots separated by pathways. Also, they are considered as a single boulevard with a central promenade flanked by axial garden shapes. The gardens have since been converted into roadways, with pine trees lining to either side. Running along the center of the promenade was a water channel with cascades; the promenade now only features circular flower beds and light posts. This avenue is one of the most prominent ones in the architectural history of Iran and in this era. Since Chaharbagh avenue is the most important and praiseworthy identity feature of the historic city of Isfahan with unique art, we should not be inattentive to the details of its changes and transitions. The research method is based on studies and the highlights mentioned in travelers' itineraries and analysis of their contents as the most important historical sources. The objective of the present research is to recognize the physical structure of Chaharbagh Abbasi avenue in Safavid era and to similarly regenerate its design according to traveler's statements. Since the physical elements of the avenue have still been remained- based on the available information from related documents, especially itineraries- we can illustrate its imaginary images and can respond to questions such as what characteristics this avenue had and what changes have been occurred in relation to it in different periods. The study is through descriptive-historical method by using written sources and documents of travelers in a comparison-oriented one. Moreover, introducing the images of each traveler's statements help identify the avenue better. The ideas illustrated in these documents, in approval and completion of written and pictorial sources, provide us with the arrangements of the elements in this avenue and the social relations among people in Safavid and Qajar eras. It can be concluded that the avenue has encountered some changes in each traveler's visiting period particularly in each era of Safavid and Qajar; for instance, the avenue's planting system: In Safavid era there were two rows of plantain trees but in Qajar era they increased to four rows. In addition, in Qajar era distinctively in the period of Zill al-Sultan- ruler of Isfahan- numerous damages occurred to this avenue.

Keywords

Chaharbagh abbasi, Safavid, Qajarid, Travelers, Image.

*. Part of this paper is derived from the studies of Soudabeh Gholipour's M. A. thesis entitled "The palaces & gardens body of Safavid era with relying on texts & documents (Case study: Isfahan Chaharbagh street)" carried out under the supervision of Dr. Aminpour, Art University of Isfahan, Iran.

**. MA in Architectural Studies, Art University of Isfahan. s.gholipour@gmail.com.